

مقدمه ناشر

فقه برنامه عملی زندگی فردی و اجتماعی انسان مسلمان می‌باشد. اگر عقاید اسلامی، به شخص مسلمان اندیشه الهی و جهان بینی متمایز از ماده‌گرایان می‌دهد؛ فقه به او برنامه عمل و ضابطه رفتار می‌بخشد، تا با میزان قرار دادن آن، سالک طریقی باشد که شارع مقدس برای نیل به حقیقت مشخص کرده است.

پس از تشکیل حکومت نبوی در مدینه‌النبی، فقه اسلام و حلال و حرام الهی مبنای زندگی فردی و جمعی مسلمانان گردید؛ به گونه‌ای که این روال و رویه پس از نبی مکرم اسلام (ص) در دوران حکومت خلفای اولیه - علی‌رغم تفاوت حاکمیت آن‌ها با معیارهای منصوص و مصرح - نیز جریان داشت و همین کلیت و چارچوب در جوامع اسلامی از سوی حاکمان جائز و ستمگر ادعا می‌شد و مبنای زندگی همه اهل قبله در شرق و غرب اسلام بود. پس از طوفان سهمگین و بنیان‌برانداز «سکولاریزم» که پدیده‌ای غربی - مسیحی و حاصل تجربه دین‌داری و سیاست‌ورزی مغرب زمین و محصول کشاکش و چالش ارباب کلیسا با روشنفکران دیارشان بود؛ و ورود آن با رویکرد استعماری و سلطه‌طلبانه به سرزمین‌های اسلامی پیوند خورد؛ جهان اسلام شاهد باز تولید آن در شکل‌های مختلف شد و به ویژه احکام اجتماعی - سیاسی اسلام به فراموشی سپرده شد و در آن سنت نبوی و رویه مسلمانی منسی گردید.

در جریان نهضت مشروطیت در ایران که رهبران دینی و مراجع مذهبی شیعیان در نجف و تهران و دیگر بلاد ایران، خواهان مهار قدرت مطلق و بی‌حد و حساب شاهان فاسد و نالایق بر مبنای قوانین شرع و نیز نظارت مسلمانان بر رفتار و کردار حاکمان بودند؛ به ویژه با مشاهده جریان روشنفکری وابسته به اردوگاه لیبرالیسم و میدان‌داری‌های سفارت انگلیس و نگاه سکولاریستی آن‌ها به مقوله دین و زندگی؛ آرمان بلکه تکلیف اداره زندگی جمعی بر مبنای قوانین الهی مطمح نظر علما و متدینین قرار گرفت و با فداکاری‌ها و شهادت‌طلبی‌ها مسأله انطباق قوانین مجلس قانون‌گذاری با قواعد و قوانین شرعی و نظارت علمای تراز اول تصویب شد، که قانون مدنی متخذ از فقه جعفری ارمغان آن دوران است.

البته با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری فقیه حکیم حضرت امام خمینی (ره) و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، مسأله انطباق قوانین و مقررات با ضوابط و احکام شرعی به تصویب همگان رسید.

امام خمینی (ره) نه فقط رهبری دوران‌دیش و حکیمی بزرگ، که فقیهی اصولی و مرجعی صاحب مینا و دارای مکتب فقهی بود، که آثار علمی فراوان و ارزشمند، و نیز شاگردان فراوان و اثرگذار او، گواه این مدعایند.

یکی از آثار فقهی امام خمینی (ره) کتاب ارزشمند و ماندگار *تحریرالوسیله* است که یک دوره فقه فتوایی امامیه را در بردارد و از آنجا که برابر ماده 3 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، در امور مدنی، مصوب 1379، «چنانچه قاضی حکم دعوایی را در قوانین مدونه نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی با فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید.» جناب آقای دکتر عبدالله کیائی در تلاشی قابل تقدیر، قانون مدنی را به همراه فتاوی امام خمینی (ره) در دو جلد فراهم آورده است و البته محققان فقه‌پژوه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) - دفتر قم - در این زمینه با مؤلف محترم همکاری داشته‌اند. امید آن است که با به‌کار بستن احکام حیاتبخش اسلام - چه مدنی و چه غیر آن - شاهد مدینه فاضله اسلامی و انسان‌های فضیلت‌محور باشیم.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

دفتر قم

مقدمه چاپ سوم

خداوند را بسیار سپاسگزارم که به من توفیق داد تا مقدمات چاپ سوم کتاب قانون مدنی و فتاوی امام خمینی (ره) را فراهم نمایم.

از آن جا که این کتاب، در برگیرنده هزاران فیش تحقیقاتی از فتاوی و استفتائات حضرت امام خمینی (ره) است و با نظم خاصی در کنار مواد قانون مدنی قرار گرفته است، بار دیگر از صاحب نظران درخواست می شود بذل محبت فرموده و با راهنمایی ها، پیشنهادات و نظریات علمی خود، ما را در تکمیل این کتاب یاری رسانند.

آنچه در این چاپ بدان توجه شده، عبارت است از:

1. استفاده از ترجمه تحریرالوسیله که توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به چاپ رسیده و اعمال اصلاحات بر اساس آن؛

2. اصلاحات مورد نیاز و پیشنهادی به انجام رسیده است؛

3. اضافات فراوانی، به ویژه در ارجاعات و منابع صورت گرفته است؛

4. سعی شده این اثر خالی از اغلاط تایپی باشد.

لازم است از همه کسانی که در مقدمه چاپ اول از آن ها نام برده شد، مجدداً تشکر کنم، و نیز از حجة الاسلام جناب آقای رضا هوشیاری که دقت کافی و لازم را در کنترل نهایی متن مبذول داشته، و زحمات زیادی را در اصلاح کتاب متحمل شده اند، قدردانی نمایم.

عبدالله کیائی

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين والحمد لله

رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

به توفیق الهی بعد از قریب پنج سال تلاش کتاب حاضر آماده چاپ گردید. در طول این سنوات، به استثنای کاری که به نوعی سنخیتی با کار حاضر دارد و به اتفاق چند نفر از دوستان همکار انجام می دادم، بقیه اوقات فراغتم را مصروف این کار نمودم و با وجودی که در بعضی از روزها حتی قریب پانزده ساعت بر روی آن کار کردم هرگز احساس خستگی نمی کردم، بلکه از این کار لذت می بردم؛ زیرا بزرگترین تمرین و ورزش فکری برایم بود، چرا که جمع کردن و برقراری ارتباط میان مطالب و موضوعات و احکام پراکنده و مختلف خود یک نوع ورزش فکری است و به نظرم بزرگترین کاری که یک حقوقدان و محقق رشته حقوق می تواند انجام دهد، انجام چنین کاری است، و یک حقوقدان هر چه در این زمینه از توانایی بیشتری برخوردار باشد موفق تر است. اساس این کار نیز به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آن برمی گردد گرچه سنجش میزان موفقیت در آن

با دیگران است.

علاوه بر جنبه کاربردی این کار، از آن جهت که می‌تواند مورد استفاده قضات و وکلای در پیدا کردن و استنباط احکام قرار گیرد، بهره‌های مختلف به ویژه در امر تحقیق و نگارش حقوقی دارد. در اینجا ممکن است سه سؤال مطرح شود:

- (یک) ضرورت این پژوهش و اهداف و فواید آن چیست؟
 - (دو) چرا تحریرالوسیله و فتاوی امام خمینی (ره) مبنای کار قرار گرفته است؟
 - (سه) نحوه استفاده آن چگونه است؟
- در سطور ذیل به طور خلاصه به پاسخ آن‌ها می‌پردازم.

(یک) ضرورت و اهداف و فواید پژوهش

1. طبق اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی و ماده 3 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، در امور مدنی، مصوب 1379، چنانچه قاضی حکم دعوی را در قوانین مدونه نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید، مسلماً یکی از فتاوی معتبر، فتاوی امام خمینی (ره) است.

اهمیت این کار وقتی بهتر آشکار می‌شود که توجه شود به این‌که، به دلیل مشغله زیاد قضات و تراکم کار و پرونده‌ها در دادگستری برای آنان فرصت کافی برای رجوع به منابع فقهی، بر فرض وجود زمینه‌های لازم برای آن، وجود ندارد. به علاوه یافتن حکم در موارد یاد شده از منابع فقهی کار ساده‌ای نیست، زیرا اولاً؛ این امر مستلزم تسلط کافی در این زمینه است، ثانیاً؛ لازمه آن این است که یک فرد بدانند یا حداقل حدس بزنند که درباره موضوع مورد نظر، در کدام کتاب و در ذیل چه عنوانی ممکن است وجود داشته باشد.

2. برخی مطالب در این تحقیق آمده، که تاکنون در هیچ نوشته حقوقی به آن پرداخته نشده است (به عنوان نمونه و مثال رجوع کنید ذیل ماده 266 قانون مدنی).

3. با توجه به این‌که شیوه کار فقها این بوده است که در بسیاری موارد تحت یک عنوان متعرض موضوعات یکسان و ثابتی شده‌اند و احکام آن‌ها را بیان کرده‌اند، به همین لحاظ از این طریق می‌توان به سهولت به منابع دیگر فقهی رجوع نمود و به فتاوی دیگر فقها دست یافت، زیرا اگر مثلاً بخواهیم، نظر فقهای دیگر را در باب «استیفا» (ماده 366 و 377 ق.م) ملاحظه کنیم، با توجه به این‌که در منابع فقهی «استیفا» عنوان خاص ندارد، و نظر به این‌که احکام راجع به آن در ذیل احکام راجع به اجاره ذکر شده است، بنابراین در منابع دیگر فقهی نیز باید احکام آن را ذیل همین عنوان جستجو نمود همچنین احکامی که قانون‌گذار در قانون مدنی درباره احکام املاک مجاور بیان کرده است (مواد 109 به بعد ق.م) ولی در کتاب تحریرالوسیله در پایان مبحث صلح احکام آن ذکر شده است، بنابراین، در منابع دیگر فقهی نیز باید احکام املاک مجاور را در پایان صلح جستجو کرد در حالی که حتی حدس زدن این امر نیز با مشکل روبه‌روست. فلذا، این تحقیق نه تنها رجوع به فتاوی امام خمینی (ره) و تطبیق مقررات قانون مدنی با آن‌ها را آسان می‌سازد بلکه تسهیلات زیادی برای نحوه رجوع به منابع دیگر فقهی فراهم می‌سازد و این امر موجب صرفه‌جویی زیاد در وقت محققین خواهد شد.

4. در این پژوهش، در بسیاری موارد، نه تنها ارتباط مواد با فتاوی و بر عکس، بلکه ارتباط مواد با هم و فتاوی با هم نیز مشخص می‌شود.

5. نظر به این که فتاوی مرتبط با مواد قانون مدنی در ذیل مواد مزبور و مواد مرتبط با فتاوی در جلو فتاوی (در داخل پرانتز) ذکر شده است، به همین لحاظ این امر از سه فایده اساسی برای دانشجویان و محققین برخوردار است:

اولاً؛ معلوم می‌کند که چگونه می‌توان از مطالب دیگران برای آنچه در نظر گرفته شده استفاده نمود. ثانیاً؛ چنان که قبلاً اشاره شد، می‌توان از این طریق به فتاوی و نظرات فقهای دیگر از طریق کتابهایشان رجوع کرد.

ثالثاً؛ ارتباط مباحث و موضوعات و احکام آنها با هم مشخص می‌گردد، این امر کمک بزرگی در تفسیر مواد به مواد، مواد به فتاوی و بر عکس، و فتاوی به فتاوی می‌کند. بنابراین، این تحقیق می‌تواند مورد استفاده دانشگاهیان و حوزویان حتی تا سطوح عالی قرار گیرد.

6. در این تحقیق به برخی از سؤالات تقدیری نیز پاسخ داده شده است، مثلاً چه چیزهایی به ارث می‌رسد، که در ذیل ماده 869 ق.م. به آن جواب داده شده است.

دو) چرا تحریرالوسیله و فتاوی امام خمینی (ره)؟

1. تحریرالوسیله کتاب فقهی است که به طور مختصر و مفید مشتمل بر همه مباحث فقهی می‌باشد. به علاوه در قسمت اخیر این کتاب مسائل مستحدثه نیز مطرح شده است. در کتاب استفتائات نیز به سؤالات متعدد و مختلف و از جمله پیرامون مسائل روز جامعه نیز پاسخ داده شده است.

2. بی‌تردید یکی از ابعاد وجودی امام خمینی (ره) بُعد فقهی معظمله می‌باشد و به جرئت می‌توان گفت بزرگ‌ترین بُعد وجودی ایشان این بُعد است و به همین لحاظ علاوه بر این که مقام و منزلتی بزرگ میان اقشار مختلف جامعه پیدا نمودند، جایگاه ویژه میان علما و فقها دارند و نظرات و فتاوی ایشان از احترام و اعتبار خاص میان آنان برخوردار است.

از همین روست که تحریرالوسیله در حوزه و در رشته‌های مرتبط دانشگاهی تدریس می‌شود. حتی برخی از فقها و مراجع معظم تقلید حاضر، و چه بسا آینده مبنای درس خارج خویش را کتاب مزبور قرار داده یا خواهند داد به همین لحاظ می‌توان از این طریق به سادگی به فتاوی و نظرات این دسته از فقها، و به عبارتی دیگر به آخرین نظرات فقهی پیرامون مسائل فقهی و حقوقی نیز دست یافت.

3. تحریرالوسیله یکی از آخرین کتاب‌هایی است که پیرامون مباحث فقهی نگاشته شده است. مؤلف در تألیف این کتاب علاوه بر نظر خاص که به وسیله النجاء آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی (ره) مبذول داشته‌اند، به کتاب‌های معتبر فقهی پیشین نیز توجه داشته‌اند بنابراین، این کتاب چکیده یک دوره فقه امامیه می‌باشد، اهمیت و ارزش این کتاب وقتی بیشتر آشکار می‌گردد، که توجه نماییم شخص بزرگی برخوردار از توانایی‌های فکری، فقهی و اصولی بالایی دست به چنین کاری زده‌اند.

4. خلاصه، تحریرالوسیله کتاب فقهی معظم مختصر و مفید، جامع تمام مباحث فقهی و مسائل مستحدثه و یکی از آخرین کتاب‌های فقهی و مآلاً مشتمل بر آخرین دستاوردهای فقهی و برخوردار از ارزش‌های علمی

بالا و مورد احترام ویژه فقهای عظام می‌باشد، به همین دلیل کتاب مزبور و در کنار آن، فتاوی ایشان که در پاسخ به استفتائات ابراز کرده‌اند، در این تحقیق مبنای کار قرار گرفته است.

سه) نحوه استفاده چگونه است؟

1. ارتباط مواد قانون مدنی با فتاوی از سه حالت خارج نیست.

(یک) - در بعض موارد قانون مدنی متعرض موضوعاتی شده، فتاوی نیز متعرض موضوعات مزبور شده است، خواه احکام آن دو مشابه یا متفاوت باشد، در این صورت فتاوی ذیل مواد یاد شده ذکر شده است. البته در بعض موارد استثنایی به لحاظ انسجامی که در عبارات فتاوی وجود دارد به نحوی که جدا ساختن یک عبارت از عبارات دیگر ممکن است موجب لطمه وارد شدن در برداشت از عبارات منسجم موجود در فتاوی گردد، در این صورت کل عبارات در ذیل ماده‌ای که بیشترین ارتباط را دارد، آورده شده سپس مواد مرتبط قانون مدنی در داخل پرانتز نوشته، و ذیل مواد مربوط نیز به فتاوی مزبور ارجاع داده شده است.

(دو) - در بعض موارد، قانون مدنی درباره موضوعاتی احکامی بیان کرده ولی فتاوی متعرض آن‌ها نشده است، مانند مقررات راجع به حقوق بین‌الملل خصوصی یا اقامتگاه، در این صورت بدیهی است صرفاً مواد قانون مدنی بیان شده است؛ البته در این قبیل موارد چنانچه مطالبی در فتاوی وجود داشته که بتوان استفاده خاص از آن‌ها نمود و به نحوی به برخی از مواد قانون مدنی مرتبط ساخت، چنین کاری ذیل این مواد صورت گرفته است. مثلاً ذیل ماده 2 قانون مدنی اثر جهل احکام و ذیل ماده 961 قانون مدنی، که حقوق مختص ایرانیان احصاء شده، در این تحقیق حقوق مختص مسلمان را که در فتاوی مذکور است و یا استنباطاتی که از فتاوی درباره احکام راجع به اشخاص حقوقی داشتیم.

ذیل ماده 1002 قانون مدنی که تنها ماده راجع به اشخاص حقوقی است، آورده شده است.

(سه) - برخی موضوعات در فتاوی مطرح و احکام آنها بیان شده ولی در قانون مدنی ذکری از آن‌ها به میان نیامده است، در این حالت اگر به نحوی از انحا در ارتباط با مواد قانون مدنی باشد ذیل ماده‌ای که نزدیک‌ترین ارتباط را دارد، یا می‌تواند داشته باشد، ذکر شده است، مثلاً شرایط صحت یک عقد ذیل پایان آخرین ماده‌ای که راجع به صحت آن عقد می‌باشد ذکر گردیده است. همچنین است احکامی که راجع به جواز یا عدم جواز یک عمل حقوقی بیان شده است.

اگر در فتاوی مطلبی وجود دارد که موضوع اصلی آن با موضوع اصلی مذکور در قانون مدنی یکی است ولی موضوع فرعی نیز در فتاوی ملاحظه می‌شود که قانون مدنی متعرض آن‌ها نشده است، در این صورت سعی شده ذیل ماده‌ای که نزدیک‌ترین ارتباط دارد ذکر شود و اگر چنین امکانی وجود نداشته در پایان آخرین ماده‌ای که در ارتباط با موضوع اصلی است ذکر شود. مانند مسأله (مذکور ذیل ماده 153 ق.م) که درباره نهر مملوک و مشترک است و نیاز به تنقیه و حفر اصلاح... دارد در قانون مدنی در مبحث راجع به نهر مشترک حکمی در این‌باره وجود ندارد، از این رو ذیل آخرین ماده راجع به نهر مشترک یعنی ذیل ماده 153 آورده شده است و به ماده‌ای که دارای حکم مشابه است ارجاع داده شده است.

بعض موارد نیز از شیوه قانون مدنی، پیروی شده چنان که ترامی در ضمان بعد از موادی که درباره صحت و بطلان ضمان بیان شده، ذکر گردیده است (ر.ک: ماده 688 ق.م) همچنین است در مورد ترامی در کفالت

(ماده 738) به همین لحاظ ترامی در حواله نیز بعد از موادی ذکر شده که راجع به صحت و بطلان آن است. اگر حکمی درباره یک نهاد حقوقی در فتاوی مذکور است ولی در قانون مدنی حکمی درباره آن موضوع وجود ندارد و در عین حال قابل ارتباط با ماده یا مواد قانون مدنی، از این حیث نمی‌باشد، در پایان مواد راجع به آن نهاد با علامت *** معرفی شده است.

اگر در فتاوی مطالبی مطرح شده که قانون مدنی متعرض آن‌ها نگردیده اما مفسرین قانون مدنی از این مطالب در تفسیر بعض مواد قانون مدنی یا در جاهای خاص استفاده کرده‌اند، در این پژوهش نیز سعی شده است حتی‌الامکان از این شیوه پیروی شود.

2. ممکن است در بعض موارد ارجاعاتی که در پایان مسائل یا پاسخ سؤالات مطرح شده است، در ظاهر بی‌ربط جلوه نماید، اما از آنجا که، از یک سو در قانون مدنی تکلیف این قبیل موارد مشخص نشده و از سوی دیگر این مسائل و پاسخ استفتائات جنبه حقوقی دارد و بنای ما در این تحقیق بر این بوده که تمام فتاوی که جنبه حقوقی دارد در این جا استفاده و ذکر کنیم، به ناچار ذیل ماده یا موادی که نزدیک‌ترین ارتباط را با آن‌ها دارد یا می‌تواند داشته باشد، در موارد لزوم با «بیان اختصاری نحوه ارتباط»، ذیل ماده یا مواد مربوط ذکر شده است، مثلاً جواب سؤال 2 مذکور در ذیل ماده 726 قانون مدنی به ماده 277 ارجاع داده شده است که ظاهراً ماده مزبور با جواب سؤال یاد شده ارتباطی ندارد، با وجود این، چاره‌ای نبود جز این که «اصل حال بودن ایفاء دین» که از جواب سؤال مزبور مستفاد می‌شود، ذیل ماده مزبور که به نظر می‌رسد بهترین جا برای طرح مطلب مذکور است، آورده شده است.

(در همین جا، از ارباب فضل و فرزندگان حقوق درخواست می‌نمایم هر جا مسأله یا جواب سؤالی را ملاحظه می‌فرمایند، عنایت فرمایند با کدام ماده یا مواد قانون مدنی می‌تواند مرتبط باشد. چنانچه نظر شریف آنان غیر از آن چیزی باشد که در این تحقیق اعمال شده است، با ارشاد خویش مرا وام‌دار محبت خویش سازند.)

البته «بیان اختصاری نحوه ارتباط» صرفاً درباره مسأله یا جواب سؤالی است که بلافاصله بعد از آن ذکر شده و نظر به این که شیوه کار این بوده ذیل هر ماده، فتاوی مرتبط که در ذیل مواد دیگر قانون مدنی آورده شده است به ترتیب شماره مواد بیان گردد، از این رو چنانچه نحوه ارتباط فتاوی که در ذیل مواد مختلف ذکر شده یکسان بوده، نحوه ارتباط تکرار شده است.

3. بعد از هر مسأله یا جواب سؤال چنانچه ماده یا موادی از قانون مدنی در ارتباط با آن است یا می‌تواند دارای ارتباط با آن باشد، نوشته شده است و حتی‌الامکان سعی شده که ترتیب این مواد به ترتیب مطالب مرتبطی باشد که در مسأله یا جواب سؤال ذکر شده است.

4. در ارجاعات، که در ذیل مواد قانون مدنی آمده عددی که قبل از «مس» یا «س» ذکر شده شماره ماده قانون مدنی می‌باشد. البته برای صرفه‌جویی از ذکر واژه قانون مدنی بعد از شماره مواد خودداری شده است.

5. عدد یا اعدادی که بعد از «مس» یا «س» نوشته شده به ترتیب شماره «مس» یا «س» مرجوع الیه‌است که در ذیل مواد دیگر ذکر شده است.

6. اگر ذیل یک ماده بیش از یک «س» مذکور است، «س»ها به ترتیب شماره آن‌ها ذکر شده است به همین لحاظ ممکن است صفحات مربوط به سؤالات به ترتیب نباشد، زیرا، سؤالات در کتاب مرجع:

(استفتائات جلد دوم و سوم) تحت عناوین مختلف بیان شده است و چنانچه در ذیل ماده‌ای شماره دو سؤال یکی باشد ترتیب آن بر حسب شماره صفحه می‌باشد. مثلاً ذیل ماده 247 دو سؤال با شماره 29 از جلد دوم وجود دارد که ترتیب فوق در مورد آن رعایت شده است. و بعد از سؤالات مذکور در جلد دوم سؤالات مذکور در جلد سوم به همین ترتیب ذکر شده است.

7. در خصوص مسائل مذکور در ذیل یک ماده سعی شده به ترتیب شماره آورده شود. با وجود این، در بعض موارد وجود ارتباط بین موضوعات و احکام با مواد قانون مدنی یا خود مسائل با یکدیگر به گونه‌ای است که ما مجبور به عدول از این شیوه شده‌ایم.

8. برخی مطالب مرقوم در فتاوی تحت عنوان خاص (مانند: کتاب دین، تقاص، یا برخی اقسام بیع) ذکر شده، در حالی که در قانون مدنی آن عنوان وجود ندارد، نظر به این که انسجام و ارتباط خاصی بین مطالب مذکور تحت عنوان وجود دارد و برای این که نظم مطالب مذکور بر هم نخورد تحت همان عنوان، بعد از عنوان یا عناوینی از قانون مدنی که نزدیک‌ترین ارتباط را با عنوان مزبور دارد یا می‌تواند داشته باشد، ذکر شده است. منتها ماده یا مواد قانون مدنی مرتبط با آن‌ها مشخص شده است و در ذیل مواد مرتبط نیز به آن‌ها ارجاع داده شده است. مثلاً کتاب دین، در ذیل باب وفای به عهد و تقاص بعد از آخرین عنوان سقوط تعهدات یعنی بعد از «مالکیت ما فی الذمه» و ماده 300، نقل شده است. البته امکان داشت بعد از تهاتر ذکر شود، ولی به نظر رسید بهتر است بعد از آخرین عنوان اسباب سقوط تعهدات ذکر شود، زیرا مسائل آن صرفاً به تهاتر بر نمی‌گردد، اقسام بیع نیز بعد از عنوان «بیع شرط»، و ماده 463 که آخرین احکام راجع به بیع است، آورده شده است.

9. با وجودی که احکام راجع به آیین دادرسی خاص هر یک از نهادهای حقوقی معمولاً در پایان همان نهاد ذکر شده، در بعض موارد که آیین دادرسی ارتباط تنگاتنگی با یک ماده دارد، در ذیل ماده مزبور نقل شده است.

10. در برداشت از مواد و فتاوی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر نه فقط به منطوق آن‌ها توجه شده بلکه حتی‌الامکان از اصول و قواعد نیز استفاده شده است. البته این برداشت‌ها صرفاً شخصی است.

11. مبنای این تحقیق فتاوی امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله و استفتائات بوده است. در مورد تحریرالوسیله از ترجمه جناب آقای علی اسلامی (چاپ دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) استفاده شده است، با وجود این، در تمام موارد، ترجمه با متن تطبیق داده شده به همین لحاظ در بعض موارد، اگرچه اندک، چنانچه عبارتی از متن اصلی در ترجمه حذف شده، نیز در این پژوهش اضافه شده است، در بعض موارد استثنایی نیز تغییرات اندکی در ترجمه داده شده و از اصطلاحات رایج حقوقی برای ترجمه استفاده شده است.

نظر به این که مقرر گردید، این کتاب با همکاری سازمان سمت و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) چاپ و منتشر شود، به همین لحاظ، مؤسسه مجدداً ترجمه را با متن اصلی تطبیق و تغییرات لازم را در آن داد. در همین جا لازم می‌دانم که از مسئولین محترم مؤسسه به ویژه جناب آقای ساعی فرد، که زحمت زیادی در این زمینه متحمل شدند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

از کتاب استفتائات جلد دوم (چاپ 1378، انتشارات مزبور) و جلد سوم (چاپ همان انتشارات) که

مشمول بر فتاوی راجع به مباحث حقوقی است استفاده شده است. جلد اول آن درباره عبادات است. مرجع مسائل، کتاب *تحریرالوسیله* و مرجع سؤالات کتاب *استفتائات مزبور* می باشد. البته مؤسسه استفتائات و فتاوی امام را با متن اصلی تطبیق داده است، به همین دلیل می توان ادعا نمود که فتاوی منقول از امام (ره) در این کتاب، دقیق و مطمئن می باشد. از آنجا که در این تحقیق دو منبع مزبور مورد استفاده قرار گرفته، به منظور صرفه جویی، در ارجاعات، در مورد مسائل که از کتاب *تحریرالوسیله* نقل شده از ذکر نام کتاب خودداری شده است (بنابراین، معلوم است که مرجع مسائل صرفاً کتاب *تحریرالوسیله* است). البته جلد آن ذکر شده است. اما در خصوص کتاب *استفتائات* از کلمه اختصاری ف استفاده شده است.

12. تفسیر علائم اختصاری

(1) - س: سؤال (2) - ص: صفحه

(3) - ف: کتاب استفتائات (4) - مس: مسأله

(5) - ج: اگر ابتدا پاراگراف آمده غرض جواب است و اگر در انتها جواب آمده مقصود جلد است.

در پایان از مسئولین محترم سازمان سمت به ویژه جناب آقای دکتر مرقاتی، که پی گیری های جدی برای چاپ این کتاب داشتند، سپاس گذاری می کنم.